



اکثىر والديىن بىراى يكبىار ھم كە شىدە ضربالمُثلبي با آيس مضمون (قُبسل از اين كه حرف بزنی، حرفرو تو دهنــت مزهمزه کن؛ را گفتهاند. مفهوم این ضربالمثل این است که پیش از هر اقدامی، تامل و تفکر لازم است. اما در کنار این مثل مشــهور ، عبارات رایج دیگر ی نیز در فرهنگ عامیانه کُشورمان داریم مان این که «فلانسی آنقدر فکسر کردہ کسہ دیوانه ده!؛ حال این پرسیش مطرح میشیود که آیا تفکــر در جامعه ما امری پســندیده اســت یا ناپسـند یا این که آیــا جامعه ایــران توانایی . فراهم سازی شرایط و بســتر مناسب برای رواج تفکر و عقل گرایسی را دارد؟ این پرسیش را با دكتر حسين هژبريان، پژوهشگر تاريخ مطرح كرديم.

ُ ۔ ُ ۔دُرا ابتدا بگویید در بستر تاریخی ایران، اندیشیدن و تفکر چه جایگاهی دارد؟ نمى توان اين پرسش را به صورت كلى پاسخ داد. چراکــه تاريــخ ايرانزمين بــه بخشهای مختلف تقسيم شده و هر دوره دارای ویژگیها و مشخصات خاص خودش است. اگر منظور از حال، امروز ما است که باید بگوییم متاسفانه در فرهنگ عامه امروز، فکر کردن خیلی پسندیده

–اگر این دیدگاه را قبول داشــته باشیم که وضعیت فعلی هر جامعیهای، متاثر از گذشته آن جامعه است، آیا شرایط امروز ما بهویژه در حوزهای که شـما می فرمایید «فکر کردن را امری پسـندیده نمی دانند» دارای ریشه های تاریخی است؟

برای شرح بهتر باید نگاهی هرچند خلاصه و اجمالی به گذشتههای دور ایران داشته باشیم. بعد از ورود اسلام به ایران و پذیرش دین مبین اسلام از ســـوی اکثریت جامعه ایرانی در دوران صدر اسلام، ما شاهد یک دوره شکوفایی جهان اسلام هستیم که ریشهها و نماد این شکوفایی نيز در ايران است. اين دوران مربوط به قرن هاي سوم و چهارم تا حدود قرن پنجم است که به دوران شـکوفایی جهان اسـلام و تمدن ایرانی شیناخته میشود. از اواسیط قرن پنجم به بعد به تدریج منحنی اندیشه ایرانی رو به زوال رفته و دیگر ایران مهد متفکران بزرگ و اندیشمندان نیست. اگر به جامعه ایران در قرن های سیوم، چهارم و پنجم نگاه کنیم، درمی یابیم که در این دوران اندیشـمندان و عالمان بزرگی از ایران به جهان معرفی شدهاند که در توسعه علم و دانش

اصل تفكر مذموم شده است در سراسر جهان نقش و تاثیر بی همتا داشتهاند. اماً از اواخر قرن پنجم و ششـم بـه بعد دیگر ما اندیشمندان بزرگی نداشتیم. به غیر از عالمانی چون خواجهنصیر و ملاصدرا که ایس دو نیز ســــتثنا بوده و نمے توانیم آنهـــا را به کل جامعه ايــران آن دوران تعميم دهيم. بنابراين مي توان نتیجه گرفت که از قرن ششـــم به بعد اندیشــه ايرانى و به طــور كل تفكر ايرانى رو به زوال رفت

که این زوال نیز دارای ریشهها و دلایل بسیاری

ے. -ایــن مســأله در جغرافیــای اســلامی

متاسفانه اين وضعيت از قرن ششم به بعد در

كل جهان اسلام هم ديده مي شود. علت اصلى

نیز این است که یکی از پایههای شیکوفایی علمی جهان اسلام بهدلیل حضور اندیشمندان

مختص به ايران بوده است؟

بعداز وروداسلام به ایران و پذیرش دین مبین اسلام از سوی اکثریت جامعه ایرانی در دوران صدر اسلام، ما شاهدیک دوره شکوفایی جهان اسلام هستیم که ریشه ها و نماد این شکوفایی نیز در ایران است. این دوران مربوط به قرن های سوم و چهارم تا حدود قرن پنجم است که به دوران شکوفایی جهان اسلام و تمدن ایرانی شناخته می شود. از اواسط قرن پنجم به بعد به تدریج منحنی اندیشه ایرانی رو به زوال رفته ودیگر ايرانمهدمتفكران بزر كوانديشمندان نيست

حسین هژبریان، پژوهشگر تاریخ در گفتوگو با «شهروند» می گوید:

ایرانی اس

ششم به بعد شاهد هستیم

.ت. به همین دلیل نمونههای به زوال

رفتن تفكر را در دیگر ممالک اسلامی نیز از قرن

-دلایـل ایــن امـر را چگونــه ارزیابــی

میکنید. ریشـــههای آن سیاســی بوده یا اجتماعی؟

جنماعی: افول اندیشــه ایرانــی و زوال تفکــر در ایران ِیشــهها و دلایل مختلفــی اعم از سیاســی و

در دوران قاجار یک اتفاق دیگر و بسـیار مهم افتاد و آن هم جنگ بیس ایسران و روس و شکست از روس هسا و قرار دادهایسی چون تر کمانچای است. در این مقطع جامعه ایران از یک سو با گستر ش روابط بين الملل وارتباط باغرب باانديشه اي جديد آشينا شد. مهایی که حدود یک قرن در اروپا رواج یافته بود و بر خور د جامعه ایران بااین دیدگاه ها تاثیرات بسیاری به همراه داشت

ى بدبينانه به موضوع نگاه نكنيم، حداقل اين است كه اگر خیلے در فرهنــگ عامه مانــده در ميان خــواص، فكر كــردن خيلي امر پسندیدهای نیست. متاسفانه در فرهنگ عامه ما به کوچکترها » گفتهمی شود که «خیلی نباید درباره موضوعات مهم فکر کنی چون ممكن است ديوانه شوى»معنى ومفهوم چنين نظراتي اين است كه اگر فکر نکنی هم اتفاق خاصی نمی افتد و اگر فکر نکرده کاری را انجامدهى،خيلىبامشكلروبەرونمىشوى

جتماعی دارد. با توجه به پیشـــینه تاریخی که گفته شد، می توانیم نتیجه بگیریم که تفکر در ایران یک دوره شکوفایی دارد که مربوط به قرون ســوم تا پنجم اســت و بعد از آن بنا به دلایـل سیاسـی و اجتماعـی تفکـر در ایران رو بـه زوال رفته اسـت. این امر نشـاندهنده سير كلي تمدن مانيز هست. چراكه وقتى ما متفکر و اندیشــمند بزرگ نداشــته باشیم.

بهطور طبيعي جامعه متفكر وانديشمندنيز ت. برای یافتن دلایل سیاسی باید به تاریخ تحولات سیاسے قرن های پنجم و ششم به بعد نگاه کنیم. تا قبل از این دوران ما شــاهد حضور حکومتهایی هســتیم که به علم و دانش توجه کرده و شــرایط لازم در این حوزُه را فراههم می کردند. در ایس دوران که همزمان با شکوه تمدن ایرانی-اسلامی است،

جریان های فکری بیشتر به ۲ گروه تق می شدند. نخست گروه معتزله است که معتقد ند از خرد بشــری در فهم دیــن باید کمک گرفت. گروه مقابل بیشتر اشعریها هستند که معتقد بودند فهم دين با سُــناحُت ظاهر ميسر می شود و اساسا عقل بشــری عاجز از شناخت دین است. تا پیش از قرن های پنجم و ششم تفکر معتزله در ایران غالب بود و رواج داشت، اما از این دوران به بعد قشریها تسلط یافتند. ازجملے دلایل سیاسی اصلی ایے تغییرات حکومتھا بودند. در این دوران ما شےاہد غلبه سلسلههای تُرکنژادی در ایران هستیم که دید مذهبی جزماندیشانه داشــته و به عبارت دیگر دین را به صورت قشـری میدیدند و خیلی به خر دگر اینے در دینی اعتقادی نداشتند. این سلسله هابا جريان هاي قشري و اشعري ها اتحاد يافته واتحاد آنها زمينه به انزوا رفتن خردگرايي ینه و نعن ایم رسیه به روز رس عز دریی و خردگراها را فراهم ساخت. بنابر این تا زمانی که جریانهای سیاسی حاکم اجازه بحث و گفتو گو و اندیشیدن را می دادند، زمینه پویایی فکر و اندیشــه در ایـران فراهم بـود و مجالس مباحثـه رونق داشـت. مانند دورانــی که امام رضا(ع) در ایران در مجالیس بحث و گفتوگو و مناظرههای متعــدد شــرکت میفرمودند و خودشان برای طرح مباحث درباره بسیاری از مسائل علمی پیشقدم میشدند. در این دوران هیچ منعی برای مباحثه حتی درباره مسائل مهم مذهبی وجود نداشت و نمایندگان ادیان مختلف با هم به بُحث و گفت وگو می پر داخت اما بعد از آنکه گروههای قشیری سلسلەھاي تركنژاد مانند تركان سلجوقي و خوارزمشاهیان جزم اندیسش مذهبی در ایسران حکومت یافتند، ما دیگر شاهد فعالیت فرقههای عقلگرا و خردگرا نیستیم و بیشت جُريانــات قشــُرى حَاكمٌ بودنــدو بعَــد هم با حمله مغولان همه این بساطها برچیده شد. از قرن هفتـم به بعد که دوران تسـلط مغولان . ـت، انزوا و زوال اندیشــه ایرانی- اســلامی شدت یافت و در این مقطع گروههای فکری در ایران بــه دو دســته اصلـی و کلی . امتصوفــه؛ و اقشــرىھا؛ تقســيم مىشــود. ادامه در صفحه ۱۰

فكرزمستانت بود؟ اسدبقايي مدرس ادبيات تردید نمی -وان کرد که فکـر کردن در ادبیات ایران جایگاه ویژهای دارد. در شـعر بسیاری از شاعران در مورد تفکر و شیوه انجام آن اشارات گوناگونی شده است. برخیی از آنان هیم از سرانجام «کار بدون

بر سبی رسی نفکر، گفته و آدمها را از ایسن اقدام بر حذر ر داشتهاند. «مولانا» می گوید: ا اگر به جیب تفکر فرو بری سر خویش اگر به جیب تفکر فرو بری سر خویش گذشته های قضا را ادا توانی کرد «ناصر خسرو» هم میسراید که: مپندار بر روز شب را مقدم

چو هر بی تفکر یله گوی عام ـیخ محمود شبســتری) هم به ا شکل می گوید: چو خود را دید یک شخص معین

تفکر کرد تا خود چیستم من» اساسا در یک نگاه کلی، کتاب و کتابخوانی اساماد رید کاه این این اینان مالو قابلاوان به نوعی ابزار و منشایی برای تفکر به حساب میآید. این ابسزار (کتاب و کتابخوانی) نقش مهمی در تفکر مسلمانان داشته و به همین صورت شاعران پارسی گوی هم از این مسأله صحُبت کرده و تأثیر پذیرفتهاند. در تاریخ اســلام آمده کــه آنقدر کتاب در مسـاجد وجود داشته که دیگر جایی برای قُرار گرفتن آنها نبوده است. تا آنجا کـه دیگر تصمیم گرفته می شـود، محلی به مــورت جداگانه برای احداث کتابخانه در نظر گرفته شـود. صاحب ایسن قلم با توجه به ایسن موارد نمی تواند به صورت قطعی ایرانیان را عـاری از تفکرورزی بداند و بـر آن اعتقاد باشـد که تصمیمهای خود را بـدون تفکر و فکـر کـردن میگیرند.ادبیـات پر گوهر ما سرشار از صنایع ادبی مختلف است. صنایعی که بسیاری از آنها تنها اختصاص به ادبیات خودمان دارد و در هیچ سرزمین دیگری نمونهٔ آن دیده نمی شود. یکی از این صنعتها، صنعتی به نام ۱۱ استعاره ۱۱ است که از زیباترین صنعتها به حسباب می آید و به نوعی از تشبیه سرچشمه می گیرد. این صنعت ادبی جایگاه خاصی در ادبیات میا دارد و خیال با میا دارد و خیال عظیمی از شاعران از آن بهره بردهاند. آنها به این وسیله راه تفکر را

برای مخاطبان به زیباترین حالت ممکن بدل می کنند تا آنها بتوانند سـخت ترین و پیچیدہتریں مفاہیم دیریاب را دریافت کردہ و برمبنای آن به تفکر و تعقل دست ر در رو بیدی دن به عند و عمل مسعی بزنند. می توان گفت که ایسن صنعت ادبی یکی از وسایل و ابزار تفکر محسوب می شود. ین صنعــت، علاوہبر بخشــیدن زیبایی به کلام، آن را سرشــار از آگاهــی هم می کند. هنگامی که خواننــده آن را میخواند، حتی مى تواند بنا بر أفــكار و نحوه فكر كردن خود ی ر ب . . . بــه معانی متعددی از آن برســدو شــگرف آنجاســت که حتی در پارههــای مختلف به

معانی متفاوت از آن برسد. همان طور که اشاره شد، دین اسلام همـواره بـُه اهمیت تَفکـر و اندیشـیدن پرداختـه، تــا جایـی کــه آنقــدر برای ینگمروزی اهمین قابل شده است که پیلمبر (سلام (ص) می فرمایند: ییک اساعت گنگر، بهتر از ۲۰ سال عیادت است، این نمونه احادیث در روایات ما سیار است و همین مساله تشان ایرانیک رادر: تفکر، تقل و اندیشیند ایرانیک رادر: تفکر، تقل و اندیشیند ایرانیک راد: عامی مجم ایرانیک ایران می مجم ایرانیک ایران می محم تفکــرورزی اهمیت قایل شــده اسـ

بادداشت

است. مسلمانان با عبادات روزانه خود، همواره در حال تفکر هستند. تفکری که اســُلاَم آنُ را درَّ جهتُ پرســتش، سُتَايش و شــناخت خداوند مىداند. مــا حديثى از امام صادق (ع) هم در این مـورد داریم که میفرمایند: «فکر، آیینه حسـنات است.» «شیخ محمود شبستری» میگوید:

تفکر کن تو در خلق سماوات که تا ممدوح حق گردی در آیات کتا مندوح خل کردی در این اعطار مهم سراید که تفکر کن که آخر از کچایی و سرایی به دقت دار آوسیت قکر می کند و سمام به آن می اندیشند تا چاییی که ما آیات بسیاری در قبران کریسم ماریم که آیات بسیاری در قبران کریسم ماریم که در خافت و تفکر در نصوه پدیند آمدن در خافت و تفکر در نصوه پدیند آمدن موجودات است.

ادامه در صفحه ۱۰